



۲۰۱۵/۰۶/۲۹



فرهاد لیبیب

نصیب ما چرا جز غم نگردید؟

در چند ماه که گذشت ، نتیجه دو بررسی و یا دو تحقیق در باره سطح رفاه و خوشبختی مردمان جهان منتشر شد . این دو تحقیق که یکی از طرف موسسه نظر سنجی " گالوپ" و دیگری از طرف سازمان ملل متحد بنام " راه حل های توسعه پایدار " راه اندازی شده بود ، نتایج بررسی شانرا در روز " بین المللی شادی " موازی هم منتشر ساختند .

در گزارش موسسه امریکایی "گالوپ" که از جمله معتبر ترین موسسات نظر سنجی در سطح بین المللی به حساب میاید ، مردمان کشور های پاراگوئه ، کولمبیا ، اکوادور ، گواتمالا ، پانامه ، هندوراس ، وینزویلا ، کاستاریکا ، السلوادور ، و نیکاراگوآ از جمله شاد ترین مردمان کره زمین شناخته شده اند . جالب اینکه این ده کشور در امریکای جنوبی " لاتین " قرار داشته که در جمله کشور های ثروتمند جهان به حساب نمی آیند ، اما مردمان این کشور ها از جمله شاد ترین مردمان جهان شناخته شده اند . مقامات موسسه گالوپ با توجه به این اطلاعات گفته اند : " مردم دنیا باید مردم امریکای لاتین را سر مشق خود قرار دهند ، در حالیکه از جمله ثروتمندان جهان نیستند ، اما در صدر فهرست شاد ترین مردمان جهان قرار دارند .

در تحقیق ملل متحد که رده بندی آن به اساس تولید ناخالص ملی ، امید به زندگی ، میزان فساد و آزادی های اجتماعی صورت گرفته ، کشور سوئیس در سه سال اخیر به عنوان شاد ترین کشور جهان نام برده شده و به تعقیب آن کشور های ایسلند ، دنمارک ، ناروی و کانادا از جمله شاد ترین کشور های جهان شناخته شده اند . هدف این بررسی شناسایی تاثیر سیاست دولت ها بر جوامع عنوان شده است . این تحقیق در 158 کشور از جمله 196 کشور جهان صورت گرفته است

اما با درد و تاسف که : در هر دو تحقیق و بررسی فوق ، سرزمین ما افغانستان و باشندگان آن افغانها از جمله بدخت ترین باشندگان روی زمین شناخته شده اند ، یعنی افغانستان در آخرین رده این لست قرار گرفته است . بلی خواننده عزیز ! وقتی این نوشته را تیپ میگردم گزارش دیگری از طرف سازمان ملل متحد به نشر رسید دال بر اینکه : دولت افغانستان یعنی دولتی که در سر زمین ما حاکم است درجمله فاسد ترین دولت های جهان قرار داشته و از میان 196 کشور جهان در ردیف 195 قرار گرفته است.

چی بگویم ؟

حال باید دید که افغانستان و باشندگانش افغانها در همین سالی که گذشت چنین سر نوشتی داشته اند ؟ و یا این سلسله سر داز دارد ؟

باری تا عقل قد میدهد و تاریخ گواه است ، همین آش بوده است و همین کاسه . هر قدر به عقب می نگری جز درد و غم ، جز اشک و ماتم ، جز نامرادی و غربت هیچ مونس و همدم برای باشندگان این دیار "افغانستان" نمی یابی ، از روز و ماه گذشته تا سال پار....از دهه های که گذشت تا آنسوی سده ها .(1)

نمی دانم این سر نوشت شوم ، هدیه کدامین دست های است ؟ تحفه یار است یا اغیار ؟ دست آورد ایمان ماست و یا موقعیت و مکان ما ؟ یا هم این دست آورد شوم ، حاصل نکبت هر چار ؟؟؟.

چی بگویم ؟

نمی دانم که به کدامین درگاه و یا بارگاهی استغاثه باید برد ؟ .

نمی دانم این شگرد شوم را از کدام آستانی رمز باید کشود ؟.

از بارگاه لاهوتیان و یا هم از آستان ناسوت نشسته گان ؟.

اینرا نیز نمی دانم که به چه چیزی دل باید بست و بکدام باور استوار باید بود ، به داستان پنج هزار سال " تاریخ " و دست آورد های معنوی آن "فرهنگ" ، به نام " افغان " و یا به رمز و راز باور ما " اسلام "؟.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنې د لیکنيزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

چگونه میتوان باور کرد ، پنج هزار سال در بستر زمان شناور بودن و با این درازنا زمان و کوله بار فرهنگش
چنین سر نوشت شوم داشتن ؟
باری چیزی در این بساط کم است ، مشکلی در این عرصه پنهان و پایی در این میان لنگان .

حال از خویشتن خویش باید پرسید که : کجای کار بد بخت ساخته است ما را ؟؟

جغرافیای سرزمین ما ؟

باورها و آئین ما ؟

دشمنان پُرکین ما ؟؟

و یا هم :

خاینان و خاینین ما ؟؟.

تا باشد:

باری تا باشد که : با شناخت عامل و یا عوامل این نکبت ، بسوی کامرانی ، اندک اندک گامزن گردیم .
به امید چنین روزی

00000000

1 – شاید تعدادی این سرنوشت شوم را حاصل طلاطم های چار دهه اخیر بدانند ، اما به نظر این قلم اگر سکون
قبل از توفان آن سالها را در همان زمان ، در مقایسه با ملت ها و سرزمین های دیگر به مقایسه بنشینیم ، شاید با کم
تفاوت باز هم در همین ردیف که امروز قرار داریم خود را در همان ردیف در خواهیم یافت .

د پانو شمیره: له 2 تر2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ